

"جنبش اصلاحات" مورد اشاره حجاریان. در حقیقت امر در شرایط مشخص سالهای ۲۰ همان نقش ضدانقلابی‌ای را برای طبقه حاکم ایفاء کرد که کشتار سال ۶۰ و قتل عام سال ۶۷. یعنی نقش سرکوب انقلاب و منحرف کردن و زایل ساختن رادیکالیسم انقلابی جنبش توده‌ها و جلوگیری از ارتقاء سطح این مبارزات به یک مبارزه انقلابی قهرآمیز سراسری که سرانجام بساط ضدخلقی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و نظام حاکم را از بیخ و بن برکند.

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران، شماره ۴۸ - ۱۵ آبان ۱۳۸۵

اهداف واقعی "جنبش اصلاح طلبی" از زبان حجاریان!

"اصلاح طلب" از زبان یک مقام امنیتی سابق جمهوری اسلامی مطرح می‌شود به هیچوجه اغراق گوئی نیست. این موضوع در همان زمان در میان بسیاری از مردم ایران به گونه‌ای مطرح بود و امروز اعتراف به آن یکبار دیگر جوهر ضدخلقی و اهداف فریبکارانه "پروژه اصلاحات" که اساسا برای سرکوب مردم و جلوگیری از رادیکالیزه شدن جنبش انقلابی توده‌های تحت ستم و "ضربه گیری" سازماندهی شده بود را نشان می‌دهد. (ادامه در صفحه ۲)

بودیم، از دو طرف؛ اصلاح طلبی یعنی همین!" و در ارتباط با "نسخه جدید" پیشنهادی خود می‌گوید که شعار او اکنون "اصلاحات مرد! زنده باد اصلاحات؛ کدام اصلاحات زنده باد!" می‌باشد. سخنان فوق که پس از پایان دو دور ریاست جمهوری خاتمی فریبکار

یکی از خالقین "سربازان گمنام امام زمان" و بالاخره یکی از استراتژیست‌های حکومت و "مغز متفکر اصلاحات" می‌باشد که اخیرا در مصاحبه‌ای با خبرگزاری فارس، از سوی او عنوان شده است. او در بخش دیگری از اظهارات خود اضافه می‌کند که "ما ضربه گیر

"در ایران اگر احزاب اصلاح طلب نبودند، جنبش چریکی راه افتاده بود. اگر آقای ناطق نوری سرکار می‌آمد، حتما یک عده‌ای می‌رفتند توی فاز چریکی".... این بخشی از سخنان سعید حجاریان، یکی از مؤسسين وزارت اطلاعات جهنمی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی،

آمریکا و "نگرانی" از دست دادن بازار تسلیحاتی در ایران

در گزارشی که اخیرا به کنگره آمریکا ارائه شده، مقامات آمریکایی از توسعه حجم قراردادهای نظامی روسیه با ایران اظهار نگرانی کرده‌اند. در این گزارش با اشاره به صدور ۲۹ موشک زمین به هوای روسی به جمهوری اسلامی و قرارداد به‌روز کردن برخی هواپیماها و تانک‌ها آمده است که در سال ۲۰۰۵ معاملات نظامی روسیه با ایران "بیشتر از آمریکا" بوده است. مقامات آمریکایی به نحو روزافزونی از افزایش سلاح‌های چینی و روسی در ایران اظهار نگرانی می‌کنند. لازم به ذکر است که ساختار نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی و بویژه ارتش ایران و اساس تجهیزات نظامی و سیستم‌های تسلیحاتی این رژیم از زمان سلطنت شاه، آمریکایی بوده و در تمام طول حیات جمهوری اسلامی به اعتراف خود مقامات رژیم، این بخش از تسلیحات و قطعات مورد نیاز ارتش بصورت مستقیم و غیرمستقیم و پنهان و آشکار از منابع آمریکایی تأمین شده است. ■

از دست دادن انگلستان دست بر اثر شکنجه

بدنبال شکنجه‌های وحشتناک یک زندانی سیاسی سابق توسط دژخیمان جمهوری اسلامی در اداره آگاهی مسجد سلیمان و انتقال او به بیمارستان تهران، پزشکان مجبور شدند تا انگشت‌های هر دو دست این زندانی را بدلیل شدت شکنجه‌های وارده قطع کنند. خبرگزاری ادوار نیوز جمهوری اسلامی که این خبر را در تاریخ ۷ آبان ماه اعلام کرده بدون این که اسم قربانی را ذکر کند نوشت: "مامورین اداره آگاهی، با آویزان کردن این متهم از سقف به مدت طولانی و قرار دادن شعله آتش بر روی انگشتان این فرد و ایراد ضرب و شتم مکرر به وی، وخامت حال متهم را بجایی رسانده‌اند که وی به مراکز درمانی در تهران منتقل می‌شود و اینک بنا بر اظهارات پزشکان بیمارستان سوانح و سوختگی هر دو دست این متهم از ناحیه کف دست بدلیل شدت جراحات وارده بایستی قطع گردد." به گزارش این منبع، فرد مذکور پیش از این به مدت ۸ سال به یک "اتهام سیاسی - امنیتی" در یکی از زندان‌های استان خوزستان بسر برده است. فرد مزبور بنا به ادعای مقامات رژیم به جرم "جعل اسناد و نگهداری مشروبات الکلی" دستگیر شده است. ■



اهداف واقعی "جنبش اصلاح طلبی" از زبان حجاریان!

بقیه از صفحه ۱

سخنان حجاریان در عین حال انعکاس هراس وحشتناک طبقه حاکم یعنی سرمایه‌داران زالوصفت وابسته و دست‌اندرکاران و متفکران رژیم حامی آنان از گرایش مردم به‌جان‌آمده، به عالی‌ترین شکل مبارزه سیاسی یعنی مبارزه مسلحانه و اعمال قهر انقلابی‌ست. بیهوده نیست که آقای حجاریان که یکی از مشغولیات چند ساله اخیرش در دستگاه حاکم "ردیونوسی" برعلیه "مبارزه مسلحانه" و تبلیغ "مبارزه مصلحانه" بوده است اکنون نیز در شرایطی که رسوایی "افسانه اصلاح طلبی" جمهوری اسلامی بر هر کودک دبستانی نیز معلوم شده همچنان پرچم شکسته "اصلاحات" را در هوا می‌چرخاند تا به خیال خود از راه افتادن "جنبش چریکی" در میان جوانان جلوگیری کند. امروز پس از گذشت قریب به یک دهه از خرداد ۱۳۷۶ که خاتمی فریبکار با پرچم "جنبش اصلاحات" روی کار آمد، برای درک بهتر آنچه که امروز سعید حجاریان در رابطه با پروژه "حزب اصلاح طلب" و کارکرد آن برای مقابله با "جنبش چریکی" مطرح می‌کند لازم است شرایط دوره مورد نظر را هرچند بطور مختصر مورد کنکاش و بازبینی قرار دهیم.

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در دوره رفسنجانی و بویژه در اواخر دوره ریاست جمهوری او با موجی از یک بحران انقلابی در سطح جامعه روبرو شده بود. پیشبرد سیاست‌های خانه‌خواب‌کن امپریالیستی زیر نام "بازسازی" و فقر و فلاکت وحشتناک ناشی از اعمال این سیاست‌ها بر زندگی میلیون‌ها تن از کارگران و زحمتکشان و سرکوب سیستماتیک و گسترده توده‌های تحت ستم، بار دیگر موجب سر برآوردن موج سهمگینی از مطالبات متراکم و جنبش توده‌های بجان‌آمده برعلیه نظم ضدخلقی حاکم گشته بود. اعتصابات

کارگری به شکل کم‌سابقه‌ای رشد کرده بود. حرکات اعتراضی رادیکال در سطح جنبش دانشجویی در تهران و سایر شهرها، شورش‌های قهرآمیز توده‌ای در اراک و قزوین و تبریز و همدان و مشهد و... زنگ خطر را برای سران جمهوری اسلامی به صدا درآورده بود و در کنار همه اینها رشد برخوردهای مسلحانه، پدیده "بسجی کشی" و... حکومت را بشدت هراسان ساخته بود تا جایی که رفسنجانی "جامعه کارگری" را به یک "بمب ساعتی" تشبیه می‌کرد و گردانندگان وزارت اطلاعات با سرکشی به شهرهای شورش‌زده درصدد یافتن "ریشه‌های" خیزش برعلیه حکومت و بررسی این امر بودند که آیا در ورای این شورش‌ها و حرکات مسلحانه "تشکیلات‌های سیاسی" قراردارند، یا نه و آیا با توجه به سابقه درخشان جنبش دانشجویی در پرورش و تحویل روشنفکران و کادرهای انقلابی به جامعه (بویژه به جنبش مسلحانه و سازمان چریک‌های فدایی و مجاهدین خلق در دهه ۵۰) در سطح دانشجویان تشکیلات‌های مخفی متمایل به مبارزه مسلحانه و "جنبش‌های چریکی" شکل گرفته‌اند! در چنین اوضاع و احوالی بود که گردانندگان جمهوری اسلامی درمی‌یافتند که نظام دیکتاتوری حاکم به رغم تمامی جنایات و سرکوب‌های دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ با موج جدیدی از برآمد توده‌های پیاخاسته روبرو شده است که خاموش ساختن آن بجز کاربرد زور و سرکوب مطلق‌العنان به ابزارهای دیگری نیز نیاز دارد. "پروژه اصلاح طلبی" و علم کردن خاتمی فریبکار در جریان نمایش انتخاباتی خرداد ۷۶ که خود را نماینده مطالبات توده‌های تحت ستم ما جا می‌زد، پاسخ طبقه حاکم به چنین اوضاع بحرانی‌ای بود. با گماردن خاتمی در پست ریاست جمهوری و نمایش صندوق‌های انتخاباتی ازپیش‌پرده با "۲۰ میلیون رای"، رژیم جمهوری اسلامی کوشید انرژوی انقلابی توده‌های بجان آمده و آماده انفجار را در پشت سر خاتمی فریبکار کانالیزه کرده و با ایجاد توهم "اصلاح‌پذیری" نظام سرمایه‌داری

وابسته، خاتمی را صد البته با کمک تبلیغات کرکننده امپریالیستی و مماشات‌طلبی‌های بخش بزرگی از به‌اصطلاح اپوزیسیون در رأس جنبش اعتراضی توده‌ها بنشانند. بقیه ماجرا در طول ۸ سال حکومت ننگین خاتمی فریبکار و "جنبش اصلاح طلبی" برای همگان معلوم است. هر چند که جنبش دانشجویی - مردمی ۱۸ تیر در همان آغاز نقاب از چهره فریبکار خاتمی دریده و در عین حال انرژوی انقلابی نهفته در میان مردم مبارز ایران را به عینه به نمایش گذاشت، ولی در هر حال، با "پروژه کلان اصلاحات" بود که خاتمی سیاست‌های خانه‌خواب‌کن رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را هرچه وسیع‌تر پیش برده و با استفاده از حربه سرکوب و فریب توانست ۸ سال بیشتر برای این رژیم ددمنش وقت بخرد و سلطه ننگین آن را بر حیات کارگران و خلق‌های تحت ستم ما حفظ نماید. تجربه ۸ سال زمامداری خاتمی یکبار دیگر نشان داد که در شرایط سلطه نظام سرمایه‌داری وابسته، نظامی که دیکتاتوری عنان‌گسیخته روبنای ذاتی آن را تشکیل می‌دهد، سخن گفتن ازانجام اصلاح و رفم و هرگونه خواست دمکراتیک توسط طبقه حاکم افسانه‌ای بیش نیست.

امروز با گذشت نزدیک به یک دهه از عروج و افول "پروژه کلان اصلاحات" آقای حجاریان و یارانش در جمهوری اسلامی، حال حتی "مغز متفکر و معمار اصلاحات" نیز اعتراف می‌کند که اهداف اصلی این پروژه و روی کارآوردن خاتمی جلوگیری از "راه‌افتادن جنبش چریکی" و "ضربه‌گیری" برای نظام بود و درست به خاطر احساس موفق بودن اهداف ضدخلقی این پروژه است که او با وقاحت تمام می‌کوشد زیر شعار "کدام اصلاحات زنده باد!" بار دیگر مرحله جدیدی از فریبکاری را آغاز و هنوز به توهم امکان اصلاحات در نظام دیکتاتوری جمهوری اسلامی دامن بزند.

تاریخ ۲۸ سال حکومت دیکتاتوری مطلق‌العنان و تبهکارانه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری



اسلامی با اعمال بی‌وقفه جنایت و سرکوب و ظلم بر علیه کارگران و خلق‌های تحت ستم ما آغشته شده است. اما از سوی دیگر، این تاریخ سیاه با مبارزات دلیرانه توده‌های تحت ستمی گره خورده است، که به رغم تمامی این جنایات و رعب و وحشت و اختناق اعمال شده از سوی حکومت، هیچگاه از مبارزه بر علیه آن‌ها پاننشسته و هر روز و هر ماه و هر سال با هر آنچه که در توان داشتند به مقابله با آن برخاسته‌اند. در این چارچوب، گرایش طبیعی توده‌ها برای دست‌بردن به سلاح و مبارزه مسلحانه در مقابل یک دشمن تا بن دندان مسلح و وحشی که کوچکترین مبارزه و مخالفت سیاسی را نیز بر نمی‌تابد، بخش لاینفک این کشاکش طبقاتی را تشکیل داده است. به جرأت می‌توان گفت که در طول تاریخ معاصر کشور ما کمتر رژیم‌هایی را می‌توان یافت که با چنین سطحی از مقاومت و امواج مبارزات توده‌ای و مبارزه قهرآمیز روبرو بوده باشد. درست به دلیل همین واقعیت یعنی وجود یک جنبش توده‌ای دایم در حال تراکم و انفجار بر علیه نظام حاکم است که ما می‌بینیم، جمهوری اسلامی هر بار که با خطر لبریز شدن و انفجار این جنبش روبرو شده کوشیده است تا با دست‌یازیدن به جنایات عظیم‌تر و فریبکاری‌های سخیف‌تر، مبارزات توده‌ها و جنبش انقلابی آنها را سرکوب نموده و یا با تاکتیک‌های ضدانقلابی آن‌ها را از محتوای انقلابی تهی کرده و به کجراه ببرد. اگر به تاریخ حیات ضدخلقی جمهوری اسلامی نظر افکنیم می‌بینیم که این رژیم سرکوبگر چگونه موج عظیم و تهدیدکننده جنبش توده‌های تحت ستم در سال ۶۰ را با براه‌انداختن بساط دار و اعدام و شکنجه در سطح جامعه و در سیاهچال‌ها به عقب راند و بقای حکومت ضدخلقی خود را با اعمال فجیع‌ترین جنایات تا چند سالی تضمین کرد. سپس هنگامی که در اواخر جنگ ضدخلقی ایران عراق، این رژیم با چشم‌انداز اوج‌یابی دوباره جنبش دلاورانه توده‌ها و خطر انقلاب روبرو شد، سران حکومت با دست‌زدن به یک جنایت فجیع، نسلی از بهترین فرزندان انقلابی و مبارز توده‌ها را در جریان فاجعه قتل‌عام زندانیان

سیاسی در سال ۶۷ از دم تیغ گذراندند تا باز هم چند صباحی دیگر بر عمر ننگین نظام خویش بیفزایند. اما مدت زمان کوتاهی پس از این جنایت، بار دیگر در دوره زمامداری رفسنجانی مزدور، مارش عظیم شورش‌های توده‌ای و اعتصابات کارگری و دانشجویی و حرکات قهرآمیز و مسلحانه، حاکمیت جمهوری اسلامی و کل نظام ضدخلقی را به چالش طلبید؛ این بار نیز دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی به میدان آمده و برای حفظ و دوام حکومت ضدمردمی و وابسته‌شان پروژه مرکب "قتل درمانی" و "اصلاح‌طلبی" را سازمان دادند و با بیرون کشیدن خاتمی فریبکار از صندوق‌های مارگری‌شان در ۲ خرداد ۱۳۷۶ و جا زدن او به عنوان نماینده "جامعه مدنی" در جمهوری اسلامی، مدافع "دمکراسی"، "اصلاحات"، "حقوق زنان" و... کوشیدند تا او را مظهر مطالبات و مبارزات حق‌طلبانه توده‌های تحت ستم جا زده و حاصل "انتخاب آزادانه" مردم به‌جان‌آمده معرفی کنند. تاکتیکی که به رغم افشای آن از جمله توسط یکی از نیروهای واقعی مدافع منافع توده‌ها یعنی چریک‌های فدایی خلق، بدلیل موازنه نیروی انقلاب و ضدانقلاب در آن دوره و حمایت‌ها و تبلیغات وحشتناک طبقه حاکم و اربابان امپریالیست‌اش و همچنین مساعدت‌های بی‌شائبه طیفی از سازشکاران و دوستان نادان خلق - که فریب تبلیغات حکومت را خورده و می‌پنداشتند که دیکتاتوری حاکم با تن‌دادن به "دمکراسی" به مردم تحت ستم امکان انتخاب "آزاد" و یا "انتخاب بین بد و بدتر" داده - سرانجام موثر افتاد و رژیم جمهوری اسلامی در طول مدت حکومت خاتمی فریبکار با پروژه "اصلاح‌طلبی" توانست ۸ سال دیگر برای بقای ننگین خویش وقت بخرد و بقول ججاریان از راه‌افتادن "جنبش چریکی" و با "ضربه‌گیری" از اوج‌یابی مبارزات انقلابی جلوگیری کند. به این ترتیب "جنبش اصلاحات" مورد اشاره ججاریان، در حقیقت امر در شرایط مشخص سال‌های ۷۰ همان نقش

ضدانقلابی‌ای را برای طبقه حاکم ایفاء کرد که کشتار سال ۶۰ و قتل‌عام سال ۶۷؛ یعنی نقش سرکوب انقلاب و منحرف کردن و زایل ساختن رادیکالیسم انقلابی جنبش توده‌ها و جلوگیری از ارتقاء سطح این مبارزات به یک مبارزه انقلابی قهرآمیز سراسری که سرانجام بساط ضدخلقی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و نظام حاکم را از بیخ و بن برکند. ■

"رزمایش پیامبر اعظم". تمرین سرکوب نظامی توده‌های زحمتکش ایران

بقیه از صفحه ۴

بر این اساس، با تأکید می‌توان گفت که "رزمایش" فوق برای "قدرت‌نمایی" در مقابل اربابان امپریالیست جمهوری اسلامی نمی‌باشد بلکه هدف ترساندن توده‌های زحمتکش و محرومی است که در زیر مظالم نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی کمرشان خم گشته است. "رزمایش" فوق دقیقاً بخاطر "مقابله با هرگونه ناآرامی احتمالی" است که صورت می‌گیرد و نیروی نظامی "بسج" با بهانه قرار دادن تحصیل توان نظامی در مقابل یورش احتمالی امپریالیست‌ها، مشغول تمرین نظامی جهت کسب توانمندی لازم برای "مقابله با هرگونه ناآرامی احتمالی" از سوی توده‌های محروم ایران می‌باشد. جدا از اینکه روابط جمهوری اسلامی با امپریالیست‌ها چه اشکالی به خود بگیرد و یا اینکه آنها به چه توافقاتی دست پیدا کنند اما واقعیت این است که نکته‌ای که محافل قدرتمند امپریالیستی و رژیم‌های وابسته به آنها، از درک آن عاجزند اینست که وقتی که خلق به پا خیزد و بخروشد، هیچ سیل‌بندی قادر نخواهد بود جلوی این سیل عظیم به راه افتاده را بگیرد. البته سرمایه‌داران و نیروهای مرتجع دیگر، نشان داده‌اند که نمی‌توانند بدرستی از تاریخ درس بگیرند. ■



"رزمایش پیامبر اعظم" تمرین سرکوب نظامی توده‌های زحمتکش ایران

"سردار صفوی"، فرمانده سپاه ضدخلقی پاسداران، طی مصاحبه‌ای در تاریخ دهم آبان ۸۵، در خصوص "رزمایش پیامبر اعظم"، با آب و تاب فراوان از امکانات نظامی ایران سخن گفته و مدعی شد که اگر دشمنان ایران قصد حمله به ایران را داشته باشند چنین و چنان خواهیم کرد. او همچنین راجع به نیروی بسیج، به خبرنگاران اعلام نمود که: "نیروی مقاومت بسیج با استعداد ۷۸۸ گردان از جمله ۵۶ گردان عاشورا و ۱۳۳ گردان الزهرا در ۱۲ استان کشور با مأموریت عملیات تاخیری و بازپس‌گیری، دفاع از مراکز حساس، مقابله با هرگونه ناآرامی احتمالی و شرکت در عملیات نجات و امداد مصدومان در این رزمایش شرکت خواهند کرد." (تأکید از ۱۹ بهمن)

به این ترتیب، در شرایط بحرانی "پرونده هسته‌ای" و امکان آسیب‌پذیری رژیم جمهوری اسلامی، مقامات حکومت در هراس از جنبش اعتراضی توده‌ها از زبان فرمانده سپاه، قصد واقعی خویش از انجام رزمایش "پیامبر اعظم" را با بی‌پروایی به نمایش می‌گذارند.

رزمایش فوق‌هنگامی سازمان می‌یابد که طبق خبر سایت فارسی بی بی سی به تاریخ ۲۹ اکتبر، قرار بود از تاریخ دوشنبه ۳۰ اکتبر مانور نظامی‌ای با حضور آمریکا، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، استرالیا، بحرین و نمایندگان از سایر کشورها در منطقه خلیج فارس برگزار شود. هرچند که مقامات ایرانی از جمله سخنگوی وزارت خارجه ایران عنوان کرده‌اند که: "تمرین نظامی آنها علیه ایران نیست"، اما تجمع این اندازه از نیروها و صرف هزینه‌های گزاف، خاطره حمله نظامی نیروهای چندملیتی به عراق در سال ۱۹۹۱ تحت رهبری آمریکا را در ذهن تداعی می‌کند. جدا از اینکه اهداف مانور نظامی قدرت‌های غربی چه باشد که بجای خود قابل اهمیت و بررسی می‌باشد، اما

اهداف "رزمایشی" که جمهوری اسلامی در مقطع کنونی به ظاهر جهت دفاع در مقابل هجوم نظامی احتمالی سازمان داده است روشن است برعکس ادعاها کاملاً رو به داخل دارد، بگونه‌ای که فرمانده سپاه پاسداران تصریح نمود، هدف از آن مقابله با هرگونه ناآرامی احتمالی یعنی همان مبارزات توده‌ها می‌باشد.

باید دانست که یک نکته، هم برای جمهوری اسلامی و هم برای اربابان این رژیم مشخص است و آن اینکه با در نظر گرفتن ابعاد بی‌اندازه وسیع نارضایتی مردم از این رژیم سفاک- واقعیتی که خود رژیم نیز بر آن واقف است- چنانچه در جریان بحران کنونی کنترل اوضاع از دستشان خارج شود سنگ روی سنگ بند نخواهد شد. آنها خوب می‌دانند که ضربه‌ای که اینبار با خیزش توده‌ها به نظام بورژوازی ایران وارد خواهد شد، بسی فراتر از آن چیزی است که در طی دو روز قیام بهمن ۵۷ بدان وارد آمد.

(ادامه در صفحه ۳)

اعتراض کارگران به جمهوری اسلامی بخاطر "شخم زدن قانون کار"

تلاش رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی برای "اصلاح قانون کار" با اعتراض گسترده کارگران و تجمع آنها در مقابل مجلس روبرو شد. روز ۱۲ آبان ماه جمعی از کارگران معترض در مقابل مجلس رژیم تجمع کرده و با سردادن شعارهایی نظیر "تغییر قانون کار، خیانت به کارگران است!" و "قانون کار ایران، خونبهای شهیدان" و... اعتراض خود را به تغییر و "اصلاح" قانون کار اعلام کردند.

این حرکت اعتراضی در حالی صورت می‌پذیرد که مقامات دولت ضدخلقی احمدی‌نژاد که با ادعای دروغین "حمایت از کارگران" و بردن پول نفت سر سفره آنها سر کار آمده، قصد دارد

که در دفاع از منافع سرمایه‌داران زالوصفت وابسته و کارفرمایان ضدخلقی، زیر نام "اصلاح" قانون کار دست کارفرمایان را در اخراج کارگران هرچه بیشتر باز گذارد و همچنین با کاهش سهم بیمه کارفرمایان به میزان ۱۰ درصد، در حقیقت مزایای ناچیز بیمه‌های کنونی کارگران را نیز کاهش دهد. ابعاد یورش دولت احمدی‌نژاد به بقایای حقوق شناخته‌شده در قانون کار بقدری وحشیانه است که حتی صدای برخی از کارگزاران حکومت در نهادهای به‌اصطلاح کارگری را نیز بلند کرده و دبیر کانون عالی شوراهای کارگری حکومت از "شخم زدن قانون کار" توسط مجلس زبان به "شکوه" گشوده است.

لازم به ذکر است که در زمان تجمع کارگران در مقابل مجلس و سردادن شعار توسط آنها، برخی از نمایندگان ضدخلقی مجلس خواهان دخالت نیروهای انتظامی و "برخورد" با کارگران شدند.

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

